



دلیل سوم: شبیه سازی تشکیک در دین و دخالت در فعل خداست.

تشکیک در دین است چراکه قرآن می گوید انسان ها یک مگس را هم نمی توانند خلق کنند و دخالت در فعل خداست چراکه خلق از امور مربوط به خدای سبحان است.
ما می گوئیم:

این استدلال از ضعف بسیاری برخوردار است چراکه خلق الهی، وابستگی دائمی موجودات امکانی به حضرت واجب الوجود است و شبیه سازی معارضه ای با آن ندارد بلکه در طول قدرت و خلقت الهی است و اساساً شبیه سازی خلق از عدم نیست که در قیاس با مثال خلق مگس قرار گیرد جالب اینجاست که عالمان اهل سنت که این برهان را مطرح کرده اند، خود پذیرفته اند که شبیه سازی، خلق نیست ولی می گویند ممکن است مردم آن را خلق به حساب آورند.^۱

دلیل چهارم: شبیه سازی تغییر خلق خداست.

مستدلین به آیه شریفه ۱۱۷ تا ۱۱۹ سوره نساء تمسک کرده اند.

«إِنْ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِنْ يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَرِيدًا. لَعْنَةُ اللَّهِ وَالَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ مِنْ عِبَادِكُمْ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا. وَلَا ضِلَّةَ لَهُمْ وَلَا يُغْنِيهِمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيُبْتِئِكُمْ بِآذَانِ الْأَنْعَامِ وَلَا مَرْتَبَهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا.»^۲

ترجمه: «(مشرکان) نمی خوانند غیر خدای عالم جز دخترانی را (بتهایی را که نام دختران بر آنها نهاده اند) و نمی خوانند جز شیطان سرکش را خدایش لعنت کرد و شیطان گفت: گروهی معین از بندگانت را به فرمان خویش می گیرم. و البته گمراهشان می کنم و آرزوهای باطل در دلشان می افکنم و به آنان فرمان می دهم تا گوش های چارپایان را بشکافند و به آنان فرمان می دهم تا خلقت خدا را دگرگون سازند و هر کس که به جای خدا شیطان را به دوستی برگزیند زبانی آشکار کرده است.»

۱. شبیه سازی، ص ۲۱۲.

۲. سوره نساء / ۱۱۷-۱۱۹.

ما می گوئیم:

تا کنون در ضمن بحث های مختلف گفته ایم که مراد از تغییر خلق خدا تغییر دین است و برای این مدعا به روایات و تفاسیر ارجاع داده ایم.

دلیل پنجم: شبیه سازی به قطع ارتباط «پدر و فرزند» می انجامد.

شیخ بحرانی این دلیل را چنین توضیح می دهد:

«و السلالة باعتبار أنّ النسخ المتولدة سوف لم يكن لها أب و إن كان لهم أمّهات لأن التنسيل بالاستنساخ يمكن أن يقع من خلايا الإناث و النساء و تلقح به البويضة فيلزم المجتمع البشري كلّهم من أمّهات و لا آباء لهم.

فهو قطع لسلسلة الأبوة و رابطة الرحم و الرحمة الأبوية التي قدرها الخالق في سنة التكوين. و غير ذلك من الفروض المحتملة في تغيير السلالة الانسانية و تغيير هيئة الصورة و تقويم تركيب البشرية ممّا احتمله متخصصو الهندسة الوراثية أنفسهم.»^۱

ما می گوئیم:

اولاً: گفتیم که شبیه سازی با بکرزایی تفاوت دارد و شبیه سازی ممکن است که فرزند از پدر به وجود آید. ثانیاً: دلیل شرعی بر اینکه «نبودن پدر» حرام است در دست نیست و صرفاً استحسان خاصی ارائه شده است.

دلیل ششم: شبیه سازی حرام است چراکه آدمی مالک بدن خویش نیست.

این دلیل را مرحوم شیخ شمس الدین از عالمان لبنان مطرح کرده است^۲

و شیخ بحرانی نیز آن را نقل کرده است.

تقریر دلیل چنین است:

«أنّه ليس الانسان مالكا لجسده بل وكيلا و قيما من الله عزّ و جل عليه فالأصل الأولى عدم جواز

۱. فقه الطب و التضخم النقدي، ص ۱۱۱.

۲. شبیه سازی، ص ۴۹۶.



تصرفه إلا بما قد أذن له في ذلك و لا دليل على مثل ذلك التصرف.»^۱

شیخ بحرانی در ذیل این دلیل می نویسد:

«و هذا الاستدلال متين كبرويا و استدللّ به الخاصّة و بعض العامّة و الغريب أنّ العامّة الذين يستدلّون به ذهبوا في بحث الإمامة إلى أنّ الأصل الأولى في التصرفات أن تكون بيد الأمة استنادا إلى «الناس مسلّطون على أنفسهم و أموالهم» سلطة مطلقة العنان، مع أنّهم يستدلّون على حرمة الاستنساخ بأنّ الانسان في بدنه غير مسلّط سلطة أصلية و أنّما هي سلطة وكالة عن الله تعالى.»^۲

ما می گوئیم:

چنانکه در بحث تغییر جنسیت مطرح کرده ایم قاعده «الناس مسلطون على انفسهم» تسلط آدمی را در محدوده مقررات الهی تعیین می کند ولی نکته مهم آن است که اصل برائت در شبهه های حکمی و موضوعی (و یا بالاتر از آن برائت اصلیه) هر نوع تسلط را مادامی که دلیلی بر حرمت آن اقامه نشده باشد، تجویز می کند. به عبارت دیگر این دلیل اصل اولی را تحریم بر می شمارد که سخن کاملی نیست.



۱. فقه الطب و التضخم النقدي، ص ۱۱۵.

۲. فقه الطب و التضخم النقدي، ص ۱۱۵.